

## قرآن از منظر امام خمینی

□ مهدی حاضری

امام خمینی؛ شخصیتی جامع الاطراف بود که از بسیاری جهات نادر الوجود به شمار می‌آمد. از جهت علمی در فنون مختلف صاحب‌نظر بود و در هر عرصه‌ای از علوم فقه، اصول، فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر قدم نهاد، آثاری شگرف بر جای گذاشت و اگر نگوییم از اقران خود برتر بود، حداقل در طراز اول عالمان آن رشته جای گرفته است.

در حوزه اخلاق و رفتار فردی، نمونه‌اعلای انسان پرورش یافته مکتب پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است که همه را مجذوب اخلاق و منش و سیره خود ساخته، توانست توده‌های میلیونی را شیفته خود گرداند و آن‌ها را فدایی آرمان و اعتقاد الهی خویش کند. از جهت اجتماعی یکی از انقلاب‌های کم‌نظیر تاریخ جهان را رهبری کرد و به پیروزی رساند که همگان را به تحیر واداشت و مدت ده سال در بحرانی‌ترین شرایط و در مقابل هجمه شرق و غرب آن را مدیریت کرد و الگویی نوین در جهان پر آشوب کنونی ارائه نمود و مبدأ تحولات اجتماعی و سیاسی بزرگی گردید.

بررسی و تبیین هر یک از وجوه ذکر شده و وجوه دیگری که می‌توان برشمرد، فرصت وسیعی می‌طلبد. اندیشه‌های او تاکنون محور بحث صدها پایان‌نامه و کتاب در عرصه جهان گردیده است به طوری که هم اکنون کرسی‌های شیعه‌شناسی در اکثر محافل علمی و آکادمیک



جهانی تشکیل شده و صدها اندیشه مند را به بررسی و تحلیل عمل کرد خود واداشته است. ولی متأسفانه جایگاه سیاسی و شهرت اجتماعی ایشان، وجهه علمی و عرفانی او را تحت الشعاع قرار داده و باعث شده در سطح بسیار نازل تری نسبت به وجهه سیاسی خود شناخته شود. در حالی که پایه و اساس شخصیت حضرت امام ریشه در معارف و اندیشه‌هایی دارد که بر اساس آن ره‌توشه چنین مسیری را کسب کرده است؛ لذا بر همه اندیشه‌مندان و فرهیختگان، خصوصاً ارادتمندان و عاشقان این رادمرد الهی لازم است به این بخش از شخصیت ایشان بیشتر توجه داشته باشند و بر علمای حوزه‌های علمیه، بالخصوص حوزه علمیه قم که امام حق حیات بر آنها دارد، واجب است امکانات و شرایط گسترش نشر و تفسیر اندیشه‌های علمی و عرفانی ایشان را فراهم کنند. بحمدالله تاکنون همایش‌هایی هر چند ناکافی در تبیین اندیشه‌های فقهی، حکومتی و اخلاقی و عرفانی از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در قم برگزار شده و بعضی مراکز دیگر هم اقدام به برگزاری همایش‌هایی مشابه نموده‌اند و جا دارد پژوهشگران در فرصتهای آتی، بیشتر به بررسی و تبیین نظرات آن امام فرزانه در این خصوص پردازند.

در هر حال این مقاله که به اندیشه‌های قرآنی حضرت امام می‌پردازد به سه بخش تقسیم شده است:

بخش اول با عنوان «قرآن در گفتار امام»، به مباحث نزول قرآن، فهم قرآن، تفسیر قرآن، تحریف قرآن و بیع قرآن اختصاص یافته است.

بخش دوم با عنوان «قرآن در رفتار امام»، به کنکاش در سیره عملی حضرت امام در تعامل با قرآن اختصاص دارد. و با عناوین تلاوت قرآن، احترام به قرآن، استخاره با قرآن، تدریس قرآن، سفارش عمل به قرآن، حفظ قرآن، موعظه قرآن و آثار و تألیفات قرآنی امام تنظیم شده است.

بخش سوم با عنوان «قرآن در کردار امام»، به خدمات امام به قرآن اختصاص یافته و مواردی همچون عرفی کردن ادبیات قرآنی، احیای قرآن در جامعه، اجرایی کردن دستورات قرآن، مقابله با دشمنان قرآن و محور وحدت قرار دادن قرآن در بین مسلمین مطرح شده است.

## بخش اول: قرآن در گفتار امام

لازم به ذکر است مراد از گفتار، دیدگاه‌ها و نظرات امام بوده که از بیانات و مکتوبات ایشان استخراج شده است و شامل آثار مکتوب بر جای مانده و همچنین سیره ایشان که یاران و نزدیکان امام در قالب خاطرات از امام نقل کرده‌اند می‌شود.

### نزول قرآن

از دیدگاه امام انگیزه بعثت آوردن این کتاب بزرگ برای تزکیه بشر است و لذا می‌فرماید: «انگیزه بعثت نزول وحی است و نزول قرآن است و انگیزه تلاوت قرآن بر بشر این است که تزکیه پیدا بکنند و نفوس مصفا بشوند از این ظلماتی که در آن‌ها موجود است.»

(صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۸۸)

در مبحث نزول قرآن صرف نظر از انگیزه و هدف آن، سؤالات و ابهامات زیادی باقی است که از نظر امام فهم ما انسان‌ها از درک و پاسخ دادن به آن‌ها قاصر است و هر آنچه گفته شده یا تفسیر شده، نتوانسته پاسخ واقعی باشد. و لذا ما باید سراغ آثار و برکات قرآن برویم و از فهم این سؤالات بگذریم.

ایشان می‌فرمایند:

«اصل بعثت چی هست؟ نزول وحی یعنی چه؟ کیفیت نزول وحی چی هست؟ این‌ها از اموری است که سر بسته و در بسته باقی می‌ماند. آنچه که ما از بعثت می‌توانیم بفهمیم برکاتی است که از این پدیده حاصل شده است.»

(همان، ج ۱۸، ص ۴۰۸)

اما اینکه نزول یعنی چه و وجه تسمیه آن چیست؟ مباحث دیگری می‌تواند از قبیل اینکه وساطت جبرئیل امین (س) چگونه بوده است. و کیفیت نزول و وقت نزول و نحوه نزول و مراتب نزول همگی از سؤالاتی است که باید برای آن‌ها پاسخ یافت.

حضرت امام در پاسخ به هر یک از سؤالات فوق نظرات و دیدگاه‌هایی را مطرح نموده‌اند



□ «انگیزهٔ بعثت، نزول وحی است و نزول قرآن است و انگیزه تلاوت قرآن بر بشر این است که تزکیه پیدا بکنند و نفوس مصفا بشوند از این ظلماتی که در آنها موجود است»

که بیان همه آنها در این مجال اندک ممکن نیست و علاقه‌مندان می‌توانند به آثار و تألیفات ایشان مراجعه کنند، ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که از دیدگاه ایشان بین جبرئیل امین و پیامبری که وحی را دریافت می‌کند، باید تناسب وجود داشته باشد و تا تناسب ما بین روح کسی که جبرئیل می‌آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است نباشد، نزول وحی امکان ندارد. و این متنزل شده است از مراتب بالا و از حجاب‌های نور گذشته و این تنزل تا هفت مرتبه رخ داده تا به مرحله‌ای رسید، که به لباس الفاظ و حروف درآمده است.

امام می‌فرمایند:

«قرآن که از مقولهٔ سمع و بصر نیست، از مقولهٔ الفاظ نیست، از مقولهٔ اعراض نیست، لکن

متنزلش کردند.»

(تفسیر سوره حمد، ص ۱۳۶)

و این تنزل مرتبه، هفتاد مرتبه صورت گرفته تا به جایی رسیده که خداوند با مخلوقی چون شتر آثار خودش را به ما معرفی می‌کند. "أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ". (غاشیه (۸۸): ۱۷) و این نزول در لیلۃ‌القدر است و چون همهٔ سعادت عالم در آن شب نازل شده است، از همهٔ شب‌های عالم بالاتر است. امام می‌فرمایند:

«ماه رمضان ماهی است که تمام پرده‌ها را دریده است و وارد شده است جبرئیل امین بر

رسول خدا و به عبارت دیگر وارد کرده است پیغمبر اکرم جبرئیل امین را در دنیا.»

(صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۹)

## فهم قرآن

از مباحثی که حضرت امام درباره آن بسیار سخن گفته یا قلم زده‌اند، مبحث فهم قرآن است. ایشان از زوایای مختلف به این بحث پرداخته و نکات ریز و دقیقی را تبیین و موشکافی نموده‌اند. که علاقه‌مندان می‌توانند خود به آثار امام مراجعه نمایند. البته خلاصه مباحث مذکور در مجموعه «قرآن کتاب هدایت» از مجموعه تبیان، دفتر سیزدهم تدوین و تنظیم شده است و ما در اینجا به طور اجمال به برخی از نظرات ایشان اشاره می‌کنیم.

از دیدگاه حضرت امام، فهم قرآن برای همه انسان‌ها مقدور است، و هرکس به قدر استعداد و اشتیاق درک مفاهیم، از آن بهره‌مند خواهد شد و هیچ‌کس از این سفره گسترده الهی، دست خالی بر نمی‌خیزد.

ایشان می‌فرمایند:

«قرآن یک سفره‌ای است که انداخته شده است برای همه طبقات، یعنی یک زبانی دارد که این زبان هم زبان عامه مردم است. و هم زبان فلاسفه است. و هم زبان عرفای اصطلاحی است و هم زبان اهل معرفت به حسب واقع.»

(همان، ص ۴۰۸-۴۰۹)

بنابر دیدگاه امام، فهم قرآن زمان و مکان و طبقه و نژاد نمی‌شناسد و از ازل تا ابد همه قشرهای بشر می‌توانند از آن استفاده کنند. ولی برای فهم قرآن شرایطی ذکر می‌کنند که بدون در نظر گرفتن آن شرایط از درک این مفاهیم عاجز خواهیم ماند. پاک شدن از آلودگی‌ها و پلیدی‌های عالم طبیعت، و چنگ زدن به دامن اهل بیت عصمت و طهارت، دوری از اخلاق پست و زشت، و آراستگی به فضیلت‌های علمی و عملی از ابتدایی‌ترین شرایط برای فهم قرآن است.

علاوه بر تأمین شرایط فهم قرآن، باید حجب فهم قرآن را نیز برطرف کرد و از ورای حجاب‌ها به قرآن نظر افکند، حجاب‌های فهم قرآن از دیدگاه امام عبارتند از:

حجاب خودبینی؛ حجاب آرای فاسد و مذاهب باطل؛ اکتفا نمودن به فهم مفسرین از آیات قرآن؛ حجاب معاصی و کدورات حاصل از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت پروردگار؛ حجاب حب دنیا و ...



ایشان می‌فرمایند:

«مادامی که انسان در حجاب خود هست نمی‌تواند این قرآن را که نور است و به حسب فرمایش خود قرآن نور است، نور را کسانی که در حجاب هستند و پشت حجاب‌های زیاد هستند نمی‌توانند ادراک کنند، گمان می‌کنند که می‌توانند لکن نمی‌توانند، تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود خارج نشود، تا گرفتار هواهای نفسانی است. تا گرفتار خودبینی‌هاست، تا گرفتار چیزهایی است که در باطن نفس خود ایجاد کرده است از ظلماتی که بعضها فوق بعض است لیاقت پیدا نمی‌کند [انسان] که این نور الهی در قلب او منعکس بشود. کسانی که بخواهند قرآن را بفهمند و محتوای قرآن را، نه صورت نازل کوچکش را، محتوای قرآن را بفهمند و طوری باشد که هر چه قرائت کنند بالا بروند و هر چه قرائت کنند به مبدأ نور و مبدأ اعلیٰ نزدیک شوند این نمی‌شود الا این که حجاب‌ها برداشته بشود. و «تو خود حجاب خودی» باید از میان برداری این حجاب را تا بتوانی این نور را به آن طور که هست و انسان لایق است برای ادراک او، ادراک کند.»

(همان، ج ۱۴، ص ۳۸۸-۳۸۹)

نکته دیگر در بحث فهم قرآن، مراتب درک و فهم آن است که هر کس به مقدار فهم خود از حقایق آن بهره می‌برد؛ زیرا محدود نمی‌تواند نامحدود را در حیطه خود درآورد، مگر آنکه خودش هم نامحدود بشود؛ مثل انسان کامل غیرمحدود که ظل ذات اقدس الهی است. و غیر ایشان به اندازه کمالی که پیدا می‌کنند از این حقایق برداشت خواهند کرد.

بعد از اینکه دانستیم فهم قرآن به حسب مراتب درک و فهم و کمالات است، باید دانست که آیات قرآن هم همگی در یک سطح نیستند و آیات بر دو گونه می‌باشند: یکی محکّمات که تأویلی ندارد و همه آن را می‌فهمند و دیگر متشابهات که تأویل دارد و از قبیل رمز است و تأویل آن‌ها را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند.

حضرت امام می‌فرمایند:

«در این مخاطبه بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق اسراری است که جز او و حبیبش کسی را بر آن راه نیست. و امکان راه یافتن نیز نمی‌باشد. شاید حروف مقطع در بعض سوره مثل «الم»، «ص»، «یس» از این قبیل باشد، و بسیاری از آیات کریمه که اهل ظاهر و فلسفه و عرفان و تصوّف هر یک برای خود تفسیر یا تأویلی کنند نیز از همان قبیل است. گرچه هر

طایفه به قدر ظرفیت خود حظّی دارد یا خیالی.»

(ره عشق، ص ۲۹)

بنابر آنچه ذکر شد عالمان و دانایان به مفاهیم قرآن همگی در یک سطح و درجه نبوده و هر کس بر حسب میزان درک و استعداد و قابلیت خود از این سفره الهی بهره می‌برد و بین عالمان حقیقی به قرآن و کسانی که ادعای فهم قرآن داشته، ولی از آن بهره‌ای نبرده‌اند فاصله بسیار است.

### تفسیر قرآن

حضرت امام آثار و تألیفات فراوانی داشته و در رشته‌های گوناگون فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق، کتب و رسالاتی از خود به یادگار گذاشته‌اند، ولی علی‌رغم تسلط و احاطه به قرآن، چندان به تفسیر قرآن نپرداخته و جز چند بحث کوتاه در کتاب‌های سرالصلوة و آداب الصلوة که سوره‌های حمد، توحید و قدر را تفسیر نموده‌اند، اثر دیگری از ایشان موجود نیست. البته در لابه‌لای کتب فقهی، اصولی در تفسیر و استدلال به آیات الاحکام بحث‌های مفصلی از ایشان در دست هست و همچنین در سخنرانی‌ها و بیانیه‌های سیاسی اجتماعی به کرات از قرآن بهره گرفته‌اند. البته ایشان در توجیه اقدام نکردن برای تفسیر قرآن در پاسخ به یکی از شاگردان خود می‌فرمایند:

تفسیر را کسی باید بنویسد که در زندگی فقط یک هم داشته باشد و یک مقصد؛ من الآن در وضع کثرت به سر می‌برم و اشتغالات مختلفی دارم.

(برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۱۰)

اما برای کشف میزان آگاهی و احاطه حضرت امام به قرآن می‌توان به همین آثار باقی مانده و مباحثی که در پنج جلسه تفسیر سوره حمد که در سال ۱۳۵۸ از سیمای جمهوری اسلامی هم پخش شد، اکتفا کرد. جلساتی که تعطیلی آن‌ها بیانگر مظلومیت امام و سکوت تلخی است که در طول سالیان سال بر ایشان تحمیل کرده بودند. آری، این جلسات تفسیر سوره حمد پنج جلسه بیشتر



□ «قرآن از مقوله سمع و بصر نیست، از مقوله الفاظ نیست، از مقوله اعراض نیست، لکن متنزلش کردند»

طول نکشید که با مخالفت بعضی از دوستان امام و پیام‌هایی که از شهرستان‌ها برای ایشان واصل شد، تعطیل گردید. ولی همین مدت جلسات کوتاه و مباحثی که در آن‌ها مطرح شد، میزان آگاهی به تفسیر قرآن و نگرش ایشان به قرآن را می‌تواند به ما معرفی کند. اگر به زمان برگزاری این جلسات نظری بیفکنیم، می‌بینیم در سخت‌ترین دوران مدیریت کشور پس از انقلاب و در حالی که این پیرمرد هشتاد ساله هر لحظه با حوادث و جریانات و افراد مختلف روبروست و باید همه آن‌ها را حل و فصل نماید، به کرسی درسی می‌نشیند که به گفته خودش مفسر قرآن باید فارغ البال بوده و کاری به غیر از تفسیر نداشته باشد.

حضرت امام گرچه خود چندان تفسیر نگفته‌اند، ولی به بعضی تفاسیر عنایت داشته و از آن‌ها به نیکی یاد می‌کند؛ یکی تفسیر مجمع‌البیان مرحوم طبرسی است که امام می‌فرمایند:

«مجمع‌البیان ما که تفسیر خوبی است و جامع بین اقوال عامه و خاصه است.»

(تفسیر سوره حمد، ص ۹۲)

و یکی تفسیر پرتوی از قرآن مرحوم آیت‌الله طالقانی است که تفسیر بخشی از قرآن بوده و کامل نیست. حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی می‌گوید:

«در نجف اشرف پرتوی از قرآن را به حضور امام تقدیم کرده بودم که مطالعه فرمایند. بعد از مدتی از فرزند شهیدشان مرحوم حاج آقا مصطفی شنیدم که امام تأکید و سفارش کرده‌اند ایشان حتماً آن تفسیر را مطالعه کنند و در شیوه و برداشت‌های تفسیر و تدوین این تفسیرشان از آن الهام و آموزش بگیرند. مرحوم حاج آقا مصطفی آن ایام مشغول نوشتن تفسیری بر قرآن بودند.»



سفارش امام در مطالعه پرتوی از قرآن و تأیید مطلق آن به قدری جدی بود که مرحوم حاج آقا مصطفی را با توجه به شیوه محتاطانه حضرت امام در مورد افراد و نوشته‌هایشان متعجب کرده بود.»

(زندگی و مبارزات آیه الله طالقانی، ص ۲۳۰)

## تحریف قرآن

یکی از مباحثی که معرکه آراء بوده و نظرات مختلفی پیرامون آن ابراز شده، مبحث تحریف قرآن است که در اصل وجود آن و تفصیل بین تحریف لفظی، تحریف به زیاده و تحریف به نقیصه نظراتی ابراز شده، ولی اکثریت علمای اسلام، اعم از شیعه و سنی قائل به عدم تحریف بوده و قرآن را مصون از آن دانسته‌اند.

حضرت امام نیز به صراحت از این قول حمایت نموده و نظریه تحریف را رد می‌کنند. ایشان

می‌فرمایند:

«این قرآن کریم که در بین ید مسلمین هست و از صدر اول تا حالا یک کلمه، یک حرف در او زیاد و کم نشده است ... نگذاشتند قرآن شریف دست بخورد و همان طوری که در زمان رسول الله وارد شد الآن هم همان است به غیر او نیست.»

(صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۲۲-۴۲۳)

ایشان یکی از علمای اسلامی را که قائل به تحریف شده به باد انتقاد گرفته، به شدت آراء و نظریات وی را مردود می‌شمارند. امام می‌فرمایند:

«اگر مطلب همان طور بود که نویسنده فصل الخطاب توهم کرده بود که کتاب‌های او نه علم و نه عملی را فایده رساند. و ایشان روایات ضعیفی را گرد آورده‌اند که اصحاب از آن رو برتافته‌اند و صاحبان اندیشه و فهم از پیشینیان اصحاب ما مثل «محمدین ثلاث» متقدم از آن دوری جسته‌اند ... و خلاصه نادرستی این کلام زشت و عقیده ناپسند روشن‌تر از آن است که بر صاحب درک و فهمی پنهان بماند.»

(قرآن کتاب هدایت، تبیان دفتر سیزدهم، ص ۷۰)

و در بیان استدلال برای عدم تحریف قرآن می‌فرمایند:

«اگر مطلب چنان بود که مانند او ذکر کرده‌اند که کتاب خدا پر از نام اهل‌بیت(ع) و فضایل آن‌ها بوده و اسم امیرالمؤمنین(ع) و جانشینی و امامت او در قرآن وجود داشته است، پس چرا به هیچ یک از این آیات نازله و براهین محکم از کتاب الهی، امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و دیگر یاران پیامبر(ص) که پیوسته بر خلافت علی(ع) استدلال می‌کرده‌اند تمسک نجسته و استناد نکرده‌اند؟ و چرا علی(ع) به روایات پیغمبر(ص) استناد می‌کند با این که قرآن در میان مردم بوده است.»

(ترجمه انوار الهدایه، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶)

## بیع قرآن

در بین احکام و مسائل فقهی یکی از احکامی که ارتباط مستقیمی با قرآن دارد و قرآن موضوع آن حکم است بیع مصحف می‌باشد. و به عبارت دقیق فقهی، «جواز نقل مصحف الی الکافر» است. این حکم گرچه فی نفسه ربطی به خصوصیات و ویژگی‌های قرآن ندارد، ولی چون نگاه حضرت امام با بسیاری از مراجع و فقهای اسلامی در این موضوع متفاوت است و این تفاوت حکم مبتنی بر دیدگاه ایشان نسبت به قرآن و کارکرد آن در میان جامعه، خصوصاً میان پیروان سایر ادیان یا غیرمتدینین است، می‌تواند در این مقاله مورد بررسی قرار گیرد. البته برای بررسی و تبیین دقیق و علمی مبحث فوق باید به جلد دوم کتاب البیع مراجعه شود، ولی ما در این مقاله خلاصه‌ای از دیدگاه ایشان را مطرح می‌کنیم.

حضرت امام ضمن نسبت دادن قول عدم جواز نقل مصحف توسط کافر به مشهور فقها می‌فرمایند:

«مواظبت از قرآن و ممانعت از دستیابی کفار به قرآن خلاف مذاق شارع مقدس است. چون تبلیغ اسلام لازم است و گسترش احکام الهی و وجوب هدایت مردم با همه وسایل ممکنه از لوازم آن است. و احتمال اینکه دست کافر به قرآن بخورد و آن نجس بشود نمی‌تواند با چنین مصلحتی مزاحمت کند. و بر همین اساس پیامبر اکرم(ص) مکاتباتی با سلاطین دوران خود داشت. در حالی که آن نامه‌ها حاوی آیات قرآن بوده و آن سلاطین هم که آن نامه‌ها را لمس می‌کرده‌اند، کافر بوده‌اند. و روایت «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه» هم جمله‌انشایی است، نه اخباری و منظور آن

تلاش برای بالا بردن مقام و مرتبه اسلام می‌باشد که یکی از راه‌های آن گسترش معارف الهی با انتشار قرآن در بین کفار هست. بنابراین اگر نکوییم روایت دلالت بر لزوم و وجوب نشر معارف و قرآن در بین کفار دارد. مطمئناً بر عدم جواز نقل و بیع دلالت ندارد.»

(ر.ک: کتاب البیع، ج ۲، ص ۷۲۵-۷۲۷)

## بخش دوم: قرآن در رفتار امام

در بخش قبل تفسیر بعضی از مباحث مربوط به قرآن را با استعانت از اندیشه حضرت امام بیان کردیم و علاقه‌مندان برای آگاهی بیشتر از آراء و نظریات ایشان می‌توانند به کتاب قرآن کتاب هدایت از مجموعه تبیان آثار موضوعی دفتر سیزدهم و کتاب تفسیر و شواهد قرآنی امام مراجعه نمایند.

در این بخش به بررسی چگونگی رفتار و برخورد حضرت امام با قرآن می‌پردازیم، تا بینیم قرآن که چنین جایگاه والایی در اندیشه ایشان داشته، تا چه اندازه مورد توجه و عنایت امام بوده است، و لذا با جستجو در سیره و منش ایشان و با استفاده از خاطرات یاران و همراهان و خانواده امام به بررسی موضوع می‌پردازیم.

### تلاوت قرآن

اولین قدم در فهم و عمل به یک کتاب، مطالعه و قرائت آن کتاب است. خداوند به تلاوت قرآن بسیار سفارش نموده و روایات زیادی هم در استحباب آن وارد شده است. حضرت امام همواره در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، حتی فرصت‌های کوتاه چند لحظه‌ای به تلاوت قرآن مشغول می‌شدند. این غیر از اوقات منظم و مرتبی بوده که هر روز به این امر اختصاص داده بودند. آقای انصاری از اعضای دفتر امام می‌گوید:

امام بعد از نماز شب قرآن می‌خواندند تا هنگام نماز صبح، پس از نماز صبح، نیز قرآن می‌خواندند. ایشان در هر فرصتی که بین کارها فراغت داشتند بین کار، قرآن قرائت می‌کردند. و





روزانه هشت مرتبه قرآن می‌خواندند. امام ماهی یک مرتبه قرآن را تمام می‌کردند.

(برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۴)

این تلاوت معمول قرآن در روزهای عادی بود و الا در ایام ماه مبارک رمضان، حضرت امام علی‌رغم کثرت اشتغالات و عظمت مسئولیت رهبری جامعه اسلامی، همه ملاقات‌ها و دیدارهای خود را لغو نموده و به اعمال عبادی، خصوصاً تلاوت قرآن می‌پرداختند. یکی از اعضای دفتر ایشان می‌گوید:

امام در ماه مبارک رمضان بسیار با قرآن مأنوس بودند. من یاد ندارم که در این ماه شریف خصوصاً ماه رمضان آخر عمرشان که اوایل سال ۱۳۶۸ بود به محضر ایشان مشرف شوم و ایشان را جز در حالت قرآن خواندن ببینم. هر وقت که کاری پیش می‌آمد و به محضرشان می‌رسیدم، می‌دیدم مشغول تلاوت قرآن مجید هستند.

(همان، ص ۵)

البته تلاوت قرآن امام با تأمل و تفکر همراه بوده و صرف روخوانی آن نبوده است.

حجّة الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی می‌گوید:

امام از اوایل عمر تاکنون هر روز مقداری قرآن می‌خوانند و این یکی از کارهای روزانه

ایشان است که روی همان نظم دقیقی که در زندگی دارند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص داده‌اند که در آن ساعت کسی نزد ایشان نمی‌رود و پاسخ سؤال کسی را نمی‌دهند و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و توجه به آیات قرآنی و معانی آن می‌کنند.

(همان)

امام حتی در فرصتهایی بسیار کوتاه چند لحظه‌ای هم از تلاوت قرآن غافل نبوده و از این لحظات هم برای انس با خدا استفاده می‌کردند. یکی از نوه‌های ایشان می‌گوید:

امام در فاصله‌ای که بعد از نماز ظهر و عصر برای ناهار می‌آمدند، اگر در این مدت کوتاه چند دقیقه‌ای فرصت پیدا می‌شد، قرآن برمی‌داشتند و می‌خواندند که گاهی این اوقات کمتر از دو دقیقه بود.

(همان، ج ۱، ص ۳۵)

علاوه بر تلاوت قرآن، مصاحبت با قرآن هم مورد علاقه ایشان بود و همواره قرآن از نزدیک‌ترین کتب در دسترس ایشان بود.

یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید:

امام علاقه خاصی به قرآن دارند. خیلی با قرآن انس دارند؛ یعنی با قرآن مأنوسند و همیشه قرآنی نزدیکشان است.

و این انس با قرآن به قدری زیاد بود که در هنگام بمباران و موشکباران تهران، وقتی جهت حفظ امنیت، ایشان دستور دادند کتب از تاقچه بالای سر ایشان برداشته شود تا بر اثر لرزش روی سرشان سقوط نکند، امام اجازه ندادند قرآن و مفاتیح را بردارند؛ چون می‌خواستند دائماً به آن‌ها دسترسی داشته باشند. (همان، ج ۳، ص ۹)

از نکات دیگری که تذکر آن لازم است اینکه حضرت امام همواره قرآن را از رو می‌خواندند و کمتر دیده شده که ایشان از حفظ بخوانند و این در حالی است که اگر حافظ قرآن و ادعیه هم نبودند، با این کثرت تلاوت قرآن و استمرار ادعیه و زیارات در هر روز قاعدتاً باید



آن‌ها را حفظ باشند، ولی اکثر افرادی که ایشان را در حال تلاوت قرآن و ادعیه دیده‌اند، به روخوانی امام اشاره کرده‌اند، به طوری که حتی در مواردی این مسئله موجب سؤال آن‌ها می‌شده است.

یکی از یاران امام در نجف می‌گوید:

ایشان در حرم متعبد بودند، مثل سایر متعبدین دعا و نماز بخوانند. سایر آقایان علما این جور نبودند حرم آن‌ها ده دقیقه و فو قش یک ربع ساعت طول می‌کشید و دعا را هم از حفظ می‌خواندند و دو رکعت نماز می‌خواندند و می‌رفتند. اما حضرت امام مثل سایر مردم می‌نشستند و از روی مفاتیح، دعا و زیارت می‌خواندند.

(همان، ص ۲۶)

در زمانی که چشم ایشان عارضه‌ای پیدا کرده بود، وقتی دکتر به ایشان می‌گوید نباید قرآن بخوانید، امام می‌فرمایند: من چشم را برای قرآن خواندن می‌خواهم. (همان، ص ۶)

این روخوانی قرآن و مفاتیح به حدی زیاد بود که مرحوم حاج سید احمد خمینی می‌گوید:

امام به قدری با مفاتیح مأنوس بودند که هر چند ماه یک بار مفاتیح ایشان پاره می‌شد و ما به ناچار مفاتیحشان را صحافی می‌کردیم و یا مجدداً برای ایشان تهیه می‌کردیم.

(همان، ص ۹)

## احترام به قرآن

قرآن کتاب وحی و مقدس‌ترین ودیعه نزد مسلمین، در چشم حضرت امام احترام خاصی داشت و هرگز اجازه کوچک‌ترین بی‌احترامی به آن را نمی‌دادند؛ حتی بعضی حرکاتی که به نظر هیچ کس بی‌احترامی به قرآن تلقی نمی‌شود، ایشان از آن‌ها پرهیز داشته و نهی می‌کردند. یکی از اعضای دفتر امام می‌گوید:

در مورد احترام امام به قرآن نکته جالبی از ایشان به طور مکرر دیده‌ایم. گاهی به دلایلی قرآن‌هایی را در کیف دستی در محضر امام می‌بردیم، در دفعات اولیه بدون توجه قرآن را همراه با چیزهای دیگر از کیف بیرون آورده روی زمین می‌گذاشتیم و امام که مراقب بودند می‌فرمودند:

«قرآن را روی زمین نگذارید.» بعد بلافاصله دستشان را جلو آورده آن را از ما می گرفتند و روی میزی که در کنارشان بود می گذاشتند. بعد ما متوجه شدیم که امام چون روی کاناپه نشسته‌اند نمی‌خواهند قرآن روی زمین و در نتیجه پایین‌تر از جایی باشد که ایشان نشسته‌اند. (همان، ص ۱۰)

از همین روی حضرت امام که همواره در حسینیه جماران بر روی صندلی خود نشسته و مردم را به حضور می‌پذیرفتند، در دو مورد به عوض اینکه روی مبل بنشینند، روی زمین نشستند: یک دفعه مربوط بود به زمانی که قاریان قرآن به حضور ایشان رسیده و قرار بود قرآن بخوانند؛ و دفعه دیگر روز عاشورا بود که مجلس عزاداری در حسینیه برپا می‌شد. (همان، ص ۳۷)

یکی از اعضای دفتر امام می‌گوید:

یکبار فردی تعدادی قرآن در قطع کوچک که فقط محتوی چند عدد از سوره‌های قرآن است را آورده بود تا پس از امضای امام برای رزمندگان جبهه‌ها هدیه برد. وقتی یکی از آقایان پاکت محتوی قرآن‌ها را برداشت و به طرف امام نزدیک کرد، امام به گمان آنکه طبق معمول که گاهی نبات و امثال آن را برای تبرک خدمتشان می‌بردیم دستشان را جلو آوردند، ولی وقتی چشمشان به داخل پاکت افتاد فرمودند: اینها چیست؟ به عرض رسید: «قرآن‌هایی است که برای تبرک خدمتتان آورده‌اند». امام که همیشه حرکاتش کاملاً آرام و معقول بود، ناگهان به طور بی‌سابقه‌ای با شتاب و شدت مضطربانه‌ای دستشان را عقب کشیده و با لحن تند و عتاب‌آمیز فرمودند: من قرآن را تبرک کنم؟ این چه کارهایی است که می‌کنید؟ (همان، ص ۱۱)

حضرت امام هرگز اقدام به چاپ قرآن و یا تشویق به چاپ قرآن‌های نفیس نمودند و همچنین هیچ یک از نزدیکان و یاران امام در خاطرات خود استخاره گرفتن امام با قرآن را برای کارهای خود ذکر نکرده است. کاری که بین مردم ما و روحانیون و افراد مذهبی بسیار مرسوم بوده و اکثر اعمال خود را به استخاره واگذار می‌کنند، حال استخاره با قرآن یا با تسبیح و یا با وسایل دیگر؛ ولی حضرت امام هرگز قرآن را وسیله‌ای برای استخاره قرار نداد و اصلاً کسی از ایشان استخاره‌ای برای تصمیمات و اقدامات خود ندیده است. بلکه عکس آن نقل شده است. یکی از شاگردان ایشان نقل می‌کند:



□ آیات بر دو گونه می‌باشند: یکی محکّمات که تأویلی ندارد و همه آن را می‌فهمند و دیگر متشابهات که تأویل دارد و از قبیل رمز است و تأویل آن‌ها را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند

بعد از پایان درس که طلاب استدعای استخاره می‌نمودند به طور مطایبه با لبخندی می‌فرمودند: شما به خدا توکل کنید و بیشتر درس بخوانید. کمتر استخاره کنید. و گاهی هم اگر قرآن حاضر بود، استخاره با قرآن می‌فرمودند. (سلسله موی دوست، ص ۱۵۶)

یکی از شاگردان می‌گوید:

وقتی دوستان نجف از ایشان درخواست کردند که درس اصول را شروع کنند و ایشان موافقت نمی‌کردند، یکی از رفقا عرض کرد: «استخاره بفرمایید اگر خوب بود، شروع کنید»، ایشان در جواب فرمودند: استخاره چیست؟! من باید خودم حال خودم را ملاحظه کنم که می‌توانم آن را بپذیرم یا نه. (پایه پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۵۱)

البته استخاره به معنی طلب خیر کردن از خداوند نزد امام مطلوب بوده و امام در بعضی موارد چنین کرده‌اند. عروس حضرت امام نقل می‌کند:

یک‌بار از خانم پرسیدم آیا امام در مورد انتخاب دامادهایشان استخاره می‌کردند؟ ایشان گفتند به این معنا که اگر استخاره، خوب آمد قبول کنند و اگر بد آمد رد کنند، نه. امام اعتقادی به استخاره در این معنی نداشتند. در مورد یکی از دخترهایشان دقیقاً یادم هست که اول وضو گرفتند، بعد سر سجاده نشستند، دو رکعت نماز خواندند و از خدا طلب خیر کردند. (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۰۱)

و خود ایشان در کتاب کشف اسرار در پاسخ به یکی از اشکالات نویسنده کتاب اسرار



هزارساله در خصوص استخاره کردن به قرآن به این معنای استخاره اشاره کرده و استخاره مطلوب و مورد نظر در اسلام را طلب خیر کردن می‌دانند. ایشان می‌فرمایند:

«از برای استخاره دو معنی است. که یکی از آن‌ها معنی حقیقی استخاره است و در اخبار ما از آن بیشتر نام برده شده و پیش‌خواص متعارف است و آن طلب خیر نمودن از خداست و آن در تمام کارهایی که انسان می‌کند خوب و مستحب است.»

(کشف اسرار، ص ۹۰)

البته ذکر این نکته ضروری است که حضرت امام استخاره متعارف را خلاف ندانسته و خود نیز در مواردی که دیگران از ایشان طلب می‌کردند، انجام می‌دادند. یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید:

علی - فرزند حاج احمد آقا - خیلی با امام مأنوس بود و سعی می‌کرد کارهای امام را تقلید کند. امام هم به ایشان خیلی علاقه داشت. بعضی‌ها به من می‌سپردند که به امام عرض کنم استخاره‌ای برای آنها بگیرند. تا به امام می‌گفتم، می‌گفتند: اول بدهید علی استخاره کند، بعداً من استخاره می‌کنم. علی هم استخاره می‌کرد و می‌گفت خوب است یا بد است، بعد امام استخاره می‌کردند. (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۳۱)

و نیز وقتی یکی از یاران و شاگردان امام از ایشان می‌خواهد نظر خودشان را درباره چند استخاره که برای تغییر رشته تحصیلی فرزندشان از پزشکی به تحصیل در حوزه علمیه قم گرفته‌اند بیان کنند می‌فرماید:

«فرزند خود را آزاد گذارید تا هر راهی را می‌خواهد انتخاب کند. شما و مادرش هم دعا کنید تا در آن راه موفق گردد.»

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۰۹)

در خاطرات یکی از اعضای دفتر حضرت امام، خاطره‌ای در مورد کسب اجازه استخاره از حضرت امام نقل شده است که در نوع خود جالب می‌باشد، و می‌گوید:

یکی از علمای مبارز و انقلابی فلسطینی که به جمهوری اسلامی سفر کرده بود، همراه با



هیئتی به دفتر آمده بود - آن هم در زمانی که ملاقات‌های امام تعطیل بود - یک جلد کلام الله مجید را به منظور امضای حضرت امام به این جانب داد. در ضمن، به طور مؤکد درخواست کرد که از حضرت امام برای ایشان اجازه استخاره بگیریم.

در مورد امضا مشکلی نبود، ولی در مورد اجازه، عذر خواستم و گفتم نمی‌شود. روحانی برجسته فلسطینی در حالی که به کنایه و محترمانه سعی داشت به ما بگوید که شما هنوز امام را نشناخته‌اید و به عظمت آن حضرت پی نبرده‌اید، گفت: مطلبی را خدمت امام طرح نکرده‌اید؟ یا آنکه مطرح شده و معظم له نفی کرده‌اند؟

گفتم: تا به حال در این مورد، چیزی از امام نشنیده‌ایم.

گفت: پس شما اطلاع ندارید. خواهش من این است که شما سلام مرا به امام برسانید و این درخواست را به عرض آن حضرت تقدیم کنید. امام خود می‌دانند و می‌فهمند که چه خواسته‌ام و چه جواب بدهند.

روز بعد ۶۷/۱۱/۱۷ که مشرف شدیم، ضمن انجام کارها با دوستان، به طور نجوا مشورت کردیم. آن‌ها هم نظر منفی داشتند. ولی بالاخره درخواست مذکور به عرض حضرت امام رسید و آن حضرت فرمودند: مجازند.

و ما از آنچه تا آن روز اطلاع نداشتیم و برای اولین بار متوجه شدیم، تعجب کردیم. (در سایه

آفتاب، ص ۲۲۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز علم‌انسانی

### سفارش به قرآن

حضرت امام توصیه‌های زیادی در خصوص تلاوت قرآن، تدبر در قرآن، عمل به قرآن و احیای قرآن دارند که ذکر تمامی آن‌ها فرصتی دیگر می‌طلبد و در اینجا مواردی از آن‌ها را جهت اطلاع ذکر می‌کنیم. ایشان در نامه‌ای خطاب به عروس خود خانم فاطمه طباطبایی می‌فرمایند:

«در قرآن کریم، این سرچشمه فیض الهی تدبر کن، هرچند صرف خواندن آن که نامه محبوب است به شنونده محجوب، آثاری دلپذیر دارد، لکن تدبر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند.»

"أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا" و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد، از تدبیر هم آنچه نتیجه است حاصل نگردد. خداوند متعال پس از قَسَمِ عظیم می‌فرماید: "إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ" و سر حلقه آن‌ها آنان هستند که آیه تطهیر در شأنشان نازل گردیده، تو نیز مایوس نباش، که یأس از اقفال بزرگ است. به قدر میسور در رفع حجب و شکستن اقفال برای رسیدن به آب زلال و سرچشمه نور کوشش کن. تا جوانی در دست تو است کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقفال و رفع حجب که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیک‌ترند موفق می‌شوند و یک پیر موفق نمی‌شود... در این مخاطبه بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق، اسراری است که جز او و حبیبش کسی را بر آن راه نیست و امکان راه یافتن هم نمی‌باشد.»

(صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۶-۴۴۷)

ایشان در نامه دیگر خطاب به فرزندشان مرحوم حاج سید احمد خمینی به تلاوت قرآن ولو بدون فهم معانی آن سفارش می‌کنند و می‌فرمایند:

«فرزندم با قرآن، این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو، اگرچه با قرائت آن و راهی از آن به سوی محبوب باز کن، و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب، محبوب است، اگر چه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه، حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دست گیرد.»

(قرآن کتاب هدایت، شماره ۱۲۴)

حضرت امام رشد و تعالی گذشته مسلمان را در عمل به قرآن می‌دانند و همین راه را برای ملت مسلمان ایران، تنها راه نجات بخش دانسته، می‌فرمایند:

«در پناه قرآن بود که اسلام در نیم‌قرن بر همه امپراطوری‌های در آن وقت غلبه کرد و ما مادامی که در پناه قرآن هستیم، بر دشمنان غلبه خواهیم کرد و اگر خدای نخواستہ دشمنان اسلام ما را از اسلام و قرآن جدا کردند، باید بنشینیم و ببینیم که ما در ذلت، خفت، بندگی، زندگی می‌کنیم. استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم است.»

(صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۳۱)

احیای قرآن و خارج ساختن آن از مهجوریت از نظر امام، تنها راه غلبه بر مشکلات و علو درجه مسلمین در جهان است و باید تلاش کنیم غبار از چهره قرآن بزداييم. ایشان می فرمایند:

«اسلام همه چیز برای مسلمین آورده است، همه چیز، قرآن در آن همه چیز است، لکن مع الأسف ما استفاده از آن نکرده ایم و مسلمین مهجورش کردند؛ یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند نکردند. باید مردم را توجه داد، گرایش داد به اسلام [و قرآن].»

(همان، ج ۱۲، ص ۳۲۰)

و در جایی دیگر می فرمایند:

«مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند و تحت لوای دیگران درآمده‌اند.»

(همان، ج ۱۳، ص ۲۷۵)

حضرت امام از میان آیات و سور قرآن به بعضی آیات و سور عنایت ویژه‌ای داشته‌اند، از جمله آیات آخر سوره حشر که می فرمایند:

«سوره مبارکه حشر را مطالعه کن که گنجینه‌هایی از معارف و تربیت در آن است و ارزش دارد که انسان یک عمر در آن‌ها تفکر کند و از آن‌ها به مدد الهی توشه‌ها بردارد؛ خصوصاً آیات اواخر آن.»

(همان، ج ۱۸، ص ۵۱۳)

### موعظه قرآن

قرآن کتاب موعظه است و برای وعظ و هدایت انسان‌ها نازل شده است و در همه اعصار می تواند بشر را هدایت کند. امام می فرمایند:

«انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است؛ ... نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم مجرد است. همه چیز است.»

(همان، ج ۱۲، ص ۴۲۲)

یک موعظه از میان مواعظ قرآن بیشتر مورد توجه و عنایت امام راحل بوده و بارها به آن متذکر شده‌اند. و حتی می‌توان گفت این آیه، محور قیام و حرکت امام بوده است و هرگاه نیز فردی از ایشان تقاضای موعظه‌ای نموده است، ایشان به این آیه اشاره نموده‌اند و آن آیه شریفه "قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ وَفَرَادَىٰ" (سبأ (۳۴): ۴۶)

در قدیمی‌ترین سند مبارزه امام که از سال ۱۳۲۳ هـ. ش به یادگار مانده، ایشان ضمن دعوت به قیام برای حق، همه علمای بلاد و مردم را به عمل به این موعظه الهی دعوت نموده و می‌فرمایند: «هان ای روحانیین اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق پرست! ای حق پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطن خواه! ای وطن خواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده پذیرید و ترک نفع‌های شخصی کرده، تا به همه سعادت‌های دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید.»

(صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۲-۲۳)

ایشان در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

«خدای تعالی در این کلام شریف از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رها کرده.

خلیل آسا در علم الیقین زن ندای لاحب الأقلین زن

قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آن‌ها را به فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صَعْق و صَحْو کشاند.

قیام برای خداست که خاتم النبیین - صلی الله علیه و آله - را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بت‌ها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت، نیز آن ذات مقدس را به مقام "قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ" رساند.»

(همان، ج ۱، ص ۲۱)

□ حضرت امام همواره در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، حتی فرصت‌های کوتاه چند لحظه‌ای به تلاوت قرآن مشغول می‌شدند. این غیر از اوقات منظم و مرتبی بوده که هر روز به این امر اختصاص داده بودند

حضرت امام برای این آیه تفسیر دیگری هم ذکر می‌کنند که بیان آن خالی از لطف نیست. ایشان به نقل از خواجه عبدالله انصاری قیام در این آیه را اول مرتبه سلوک الی الله دانسته و امر خداوند را ناظر به بیداری می‌دانند. ایشان می‌فرمایند:

«اهل معرفت می‌گویند که اول منزل سلوک، «یَقْظَه» است؛ یعنی «بیداری». و به همین آیه تمسک می‌کند خواجه عبدالله انصاری از منازل السائرین - که منازل اهل سلوک را ذکر می‌کند - اول منزل را منزل «یَقْظَه»، منزل بیداری ذکر می‌کند. و این آیه شریفه را هم شاهد می‌آورد که خدا فرموده است: "أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ". ایشان تعبیرش این است که یعنی بیدار بشوید، بیدار شدن هم یک قسم از «قیام» است. و تمام نهضت‌هایی که در عالم واقع می‌شود آن هم قیام است؛ قیام از خواب، و قیام بعد از بیداری.

قیام از خواب برای ماها که خواب هستیم و باز بیدار نشدیم. ماها که برای سُكْرِ طبیعت بیهوش هستیم؛ در خواب غفلت هستیم؛ و چشم و گوشمان همه‌اش متوجه به عالم طبیعت است. موعظه خدا، به حسب قول این مرد سالک، این است که یک موعظه هست. و آن اینکه بیدار بشوید از این غفلت و از این خوابی که سنگین است. خوابی است که طبیعت غلبه کرده است بر ما و ما را خواب کرده است. اول قدم این است که ما بیدار بشویم و توجه کنیم به اینکه عالم طبیعت چی هست؛ و ما در عالم طبیعت به کجا می‌رویم؟ در سیر هستیم همه، این سیر به کجا منتهی می‌شود؟ این اول قدمی است که برای کسانی که سلوک «الی الله» می‌کنند. اول قدم این است که بیدار بشوند؛ غفلت را کنار بگذارند؛ توجه به معنویات بکنند؛ به ماوراء طبیعت بکنند. این راه یک راه طولانی است که ما در اوایلش واقع هستیم؛ و باید سیر بکنیم، و تا آخر سیر بکنیم. اگر در حال غفلت ما را سیر دادند و ما بیدار نشدیم تا وقتی که از عالم طبیعت بیرون رفتیم، ما سعادت‌مند نیستیم.»

(همان، ج ۱۰، ص ۲۴۲-۲۴۳)



## بخش سوم: قرآن در کردار امام

### احیای اصلاحات قرآنی در جامعه

ادبیات امام یک ادبیات قرآنی است. ایشان عالی‌ترین معارف اسلامی را با الهام از سبک قرآن به جامعه القا می‌کردند. در سخنرانی‌های ایشان مفاهیم دقیق عرفانی و فلسفی با امثال و حکم و قصص تاریخی و احکام الهی ممزوج شده و به صورت مطالب قابل فهم برای توده مردم ارائه می‌گردید. تقریباً اکثر افرادی که پای صحبت ایشان می‌نشستند، به اندازه درک خود بهره برده و دست خالی برنمی‌گشتند. از طرف دیگر بسیاری از اصطلاحات قرآنی در بین جامعه احیا گردید و مردم کوچه و بازار ضمن آشنایی با آنها، در محاورات خود از آن بهره می‌گرفتند. اصطلاحاتی همچون «استکبار»، «مستکبر»، «مستضعف»، «شیطان»، «استقامت»، «برائت از مشرکین»، «قدس»، «تزکیه نفوس»، «تهذیب»، «قیام‌الله» و ...

ایشان در کنار دعوت مردم، در عمل به دستورات قرآنی با زبانی ساده به تبیین احکام و معارف قرآنی می‌پرداختند. ما اگر به بیانیه‌ها، پیام‌ها یا بخشی از سخنرانی‌های ایشان نگاه کنیم، می‌بینیم در اکثر آنها از این اصطلاحات بهره گرفته شده و فرهنگ قرآنی به نحو بارزی احیا شده است.

استفاده به‌جا از آیات قرآن در ابتدای بیانیه‌ها، یکی دیگر از راه‌های بسط و گسترش ادبیات قرآنی بود که حضرت امام به نحو جالب و بعضاً حیرت‌انگیزی از آنها بهره می‌گرفتند. به عنوان مثال در پیامی که امام برای حجاج بیت الله الحرام در سال ۱۳۶۶ ه. ش ارسال فرمودند، آیه ابتدای پیام هیچ سنخیتی با فضای آن روز جامعه و برخورد دولت عربستان با حجاج ایرانی نداشت، ولی بعداً عظمت کار امام روشن شد.

امام در صدر این پیام این آیه را ذکر کرده بودند:

"وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ". (نساء،

(۴): ۱۰۰)



آقای امام جمارانی، نماینده امام در سازمان حج و زیارت می گوید:

امام طبق سنت هر ساله در آستانه حج، پیامی به حجاج بیت الله می دادند. در سال ۶۶ که به حج رفتیم، از ابتدای پیاده شدن در جده تا راهپیمایی مدینه، از برخورد دولت و مأموران سعودی بسیار راضی بودیم و اصلاً تصور نمی کردیم که دولت سعودی با ایران و ایرانی، این قدر با احترام برخورد کند. پیش‌بینی تمامی برادران دست‌اندرکار حج این بود که: «امسال شاهد یکی از باشکوه‌ترین مراسم حج خواهیم بود».

احمد آقا، فرزند برومند امام نقل می کرد: هنگامی که مقدمه و آیه‌ای را که در صدر پیام استفاده شده بود، دیده بود متعجب شد و دچار حیرت از اینکه چرا امام در این پیام، حجاج را به شهادت و هجرت حسین گونه فرا خوانده‌اند! احمد آقا می گفت: «وقتی پیام را مطالعه کردم، باور این قضیه برایم بسیار ثقیل بود». این پیام را به آقای انصاری نشان دادم که ایشان هم نظر بنده را داشت. بعد از اینکه آقای انصاری هم نظر داد، خدمت امام رفتیم و به ایشان عرض کردم: آقا! تنها نظر من نیست، بلکه برادران دیگر هم معتقدند که آیه و مقدمه‌ای که در صدر مطلب به کار رفته است، هیچ گونه سنخیتی با مراسم و مناسک حج ندارد. امام فرمودند: هر چه سریعتر این پیام را به رسانه‌های گروهی و حجاج ایرانی در مدینه مخابره نمایید. هنگامی که این پیام مخابره شد، بنده و آقای کروی آن را برای سایر دست‌اندرکاران حج قرائت کردیم. ما هم بسیار شگفت‌زده شدیم که چه سنخیتی بین مراسم حج و آیه مبارکه است. از مدینه با بیت تماس گرفتیم. احمد آقا گفت: من هم این مطلب را با امام در میان گذاشتم، اما ایشان فرمودند: پیام را با این آیه و مقدمه مخابره نمایید. این پیام در روز اول ذیحجه صادر شد و فاجعه خونین مکه در روز ششم ذیحجه به وقوع پیوست، که این قضیه بیش از پیش مبین عرفان بالا و از معجزات کم‌نظیر حضرت امام است. (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۱۶۶)

## دفاع از قرآن

حضرت امام؛ به جهت اعتقاد راسخی که به قرآن داشتند و جایگاهی که قرآن در اندیشه و



تفکر ایشان داشت، همواره در دفاع از این کتاب آسمانی پیشرو و پیش قدم بودند و می توان گفت اصلی ترین چیزی که ایشان را به میدان مبارزه با رژیم شاهنشاهی کشاند، دفاع از قرآن کریم بود. در سال ۱۳۴۱ دولت اسدالله علم لایحه‌ای را به تصویب رساند که به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی معروف شد. در این لایحه سوگند به قرآن کریم تبدیل به سوگند به کتاب آسمانی شده بود و بدین ترتیب می‌خواستند راهی برای نفوذ افراد غیر مسلمان، خصوصاً پیروان ادیان و بالخصوص فرقه ضاله بهائیت بیابند، با توجه به نفوذی که بهائیت در دستگاه شاهنشاهی یافته و همه ارکان دولت را زیر نفوذ خود گرفته بود، این لایحه تنظیم گردید و تنها حضرت امام بود که با فراست خود، این توطئه را کشف نمود و با یک فراخوان جمعی از علما و مراجع، به مقابله با این توطئه برخاستند و دولت را مجبور به عقب‌نشینی کردند.

در حادثه حمله به مدرسه فیضیه در دوم فروردین سال ۱۳۴۲ نیز حضرت امام از اهانت مهاجمین به قرآن بسیار آشفته شده و در اکثر پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به آن اشاره کرده‌اند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند:

«اگر مخالف [اسلام] نمی‌بود، قرآن را آتش نمی‌زد. وقتی که رئیس سازمان امنیت... و رئیس شهربانی ... دستور دهند قرآن را آتش بزنند و دعا را لکدکوب کنند. و پاسبانان را به پشت بام بفرستند، تا با آجر به سر و کله روحانیون و طلاب بزنند، آیا این‌ها مخالف با دین مقدس اسلام نیستند؟»

(صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳۱)

و لذا سخنان آتشین ایشان در روز سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ و پیام‌های دعوت مردم به قیام، همه در دفاع از حرمت قرآن بود.

ایشان در سال ۱۳۲۳ هـ ش نیز کتاب کشف اسرار را در رد کتاب اسرار هزارساله نوشتند و در دفاع از تهاجم به قرآن، کلیه دروس خود را تعطیل نمودند.

پس از پیروزی انقلاب نیز زمانی که جبهه ملی بر ضد لایحه قصاص اعلام راهپیمایی نمودند، بلافاصله ضمن مرتد خواندن این افراد با آنان به شدت برخورد کردند. و در سخنرانی



خود می فرمودند:

«ملت مسلمان را دعوت می‌کنند که در مقابل لایحهٔ قصاص راهپیمایی کنند، یعنی چه؟ یعنی در مقابل نص قرآن کریم راهپیمایی کنند. شما را دعوت به قیام و استقامت و راهپیمایی می‌کنند در مقابل قرآن کریم. نص قرآن کریم، ضروری مسلمین ... جبههٔ ملی از امروز محکوم به ارتداد است.»  
(همان، ج ۱۴، ص ۴۴۹ و ۴۶۲)

و در نهایت در مقدمهٔ وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود ضمن برشمردن جفاهایی که به قرآن وارد شده است، از احیای قرآن در ایران اسلامی سخن گفته و می فرماید:

«قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی و ... کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان، وسیله‌ای برای اقامهٔ جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع‌الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیلهٔ جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد.»

(همان، ج ۲۱، ص ۳۹۴ - ۳۹۵)

## اجرای کردن دستورات قرآن

حضرت امام قیام و انقلاب خود را برای پیاده کردن دستورات اسلام دانسته و در درس ولایت فقیه خود در نجف اشرف می فرماید:

«حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به طریقهٔ عادلانه زندگی کنند، و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال، و تغییر ناپذیر است. بنابراین، امروز و همیشه وجود «ولی امر»، یعنی حاکمی که قیّم و برپا نگهدارندهٔ نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد وجود حاکمی که مانع تجاوزات و ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد؛ امین و امانت‌دار و پاسدار خلق خدا باشد، هادی مردم به تعالیم و عقاید و احکام و نظامات اسلام باشد؛ و از بدعت‌هایی که دشمنان و ملحدان در دین و در قوانین و نظامات می‌گذارند جلوگیری کند. مگر خلافت امیرالمؤمنین(ع) به خاطر همین معانی نبود؟ آن علل و ضرورت‌هایی که آن حضرت را امام کرده است، الآن هم هست، با این تفاوت که شخص معینی نیست؛ بلکه موضوع

را «عنوانی» قرار داده‌اند تا همیشه محفوظ باشد.»

(ولایت فقیه، ص ۴۰ - ۴۱)

و لذا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب درصدد اجرایی کردن دستورات اسلام برآمدند، ولی متأسفانه نه شرایط داخلی اجازه این اقدامات را می‌داد و نه دشمنان خارجی. در داخل با روی کار آمدن دولت موقت که به گفته ایشان:

«اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند، ملت‌های مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد.»

(صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۸۱)

از خارج نیز دشمنان با تحریک گروهک‌ها و کودتا و جنگ و هزاران مسئله دیگر و مشکلات کوچک و بزرگ دیگر، اجازه اجرایی کردن دستورات اسلامی را به ایشان ندادند. ولی با این حال با توجه به صراحت قرآن در حرمت ربا، حذف ربا از عملیات بانکداری از اولین روزهای پیروزی انقلاب از سوی امام مطرح شده و ایشان خواستار تصویب چنین قانونی می‌شوند. لذا در اولین جلسه‌ای که شورای انقلاب پس از پیروزی انقلاب خدمت امام رسیدند، امام تأکید زیادی کردند که شورای انقلاب باید ترتیبی بدهد تا هر چه زودتر ربا از سیستم بانکی ایران حذف شود و بر این اساس بود که شورای انقلاب موظف شد لایحه لازم را جهت حذف ربا و وام‌های ربوی تهیه کند.

(ر.ک: برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۳۸۰)

از موارد دیگر می‌توان به دفاع ایشان از لایحه قصاص و اجرایی کردن آن توسط قوه قضائیه، حذف تدریجی قوانین ضد اسلامی در دادگستری‌ها، اجرای سیاست نه شرقی نه غربی در سیاست خارجی ایران که منبث از آیه شریفه "لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ سَبِيلًا" است، اجرایی کردن دستور براءت از مشرکین در ایام حج، با الهام از آیه مبارکه "وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ"، دعوت به اتحاد مسلمین در برابر کفار، فتوای ابتکاری ایشان به حجج ایرانی مبنی بر لزوم شرکت حجاج شیعه در نماز جماعت اهل سنت در



□ در زمانی که چشم ایشان عارضه‌ای پیدا کرده بود، وقتی دکتر به ایشان می‌گوید نباید قرآن بخوانید، امام می‌فرمایند: من چشم را برای قرآن خواندن می‌خواهم

ایام حج و استفاده نکردن از مهر برای سجده در نماز و ... که تأثیر بسزایی در همدلی شیعه و سنی داشته است برگرفته از دعوت به اتحاد منبعث از آیه شریفه "واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً ولا تفرقوا" بود.

ایشان در تاریخی ترین سند مبارزاتی خود که در سال ۱۳۲۳ مرقوم فرموده‌اند، خطاب به مرحوم وزیر یزدی که این یادداشت در دفتر ایشان نوشته شده است، می‌فرمایند:

«ای آقای محترم که این صفحات را جمع‌آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید، خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع تفرقه‌آنان را کند و همه‌آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضاء می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جسارتی می‌شد، همه یکدل و یک جهت از تمام کشور قیام می‌کردند.»

(صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳)

لازم به توضیح است مرحوم حجت الاسلام سید علی محمد وزیر یزدی مؤسس کتابخانه وزیر یزدی یک دفتر تهیه دیده بود که در آن از همه علمای بلاد و شهرها اعم از داخل و خارج از کشور درخواست می‌کرد یادداشتی در این دفتر بنویسند. این دفتر هم‌اکنون در کتابخانه وزیر یزدی نگهداری می‌شود و حاوی دست‌خط علمای بزرگ نیمه اول قرن چهاردهم هجری شمسی است.

اعلام روز جهانی قدس و اختصاص دادن جمعه آخر ماه مبارک رمضان به آزادسازی قدس شریف از دیگر اقدامات وحدت‌بخش امام بود که ضمن احیای قبله اول مسلمین و محل معراج

پیامبر(ص) همهٔ مسلمانان را به احیای یکی از اماکن مقدس که در قرآن کریم از آن به عظمت یاد شده است، دعوت نمودند.

### قرآن محور وحدت مسلمین

حضرت امام اعتقاد داشتند قرآن خود می تواند بزرگ ترین عامل وحدت بخش مسلمین باشد. و همواره سعی داشتند همه را حول محور قرآن و اسلام دعوت کنند.

حضرت امام پناه بردن به قرآن را مایه مجد و عظمت مسلمین دانسته و می فرمایند:  
«اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی دهد که از شما سبند بردگی بگیرد، اجازه نمی دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود.»

(همان، ج ۱، ص ۴۱۱)

و در بیانی دیگر ضمن دعوت همهٔ مردم جهان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - برای پیوستن به دریای قرآن می فرمایند:

«هان ای قطره های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام به خود آید و به این اقیانوس الهی متصل شوید و به این نور مطلق استناره کنید، تا چشم طمع جهان خواران از شما ببرد و دست تجاوز آنان قطع شود و به زندگانی شرافتمندانه و ارزش های انسانی برسید.»

(همان، ج ۱۶، ص ۵۱۶)

### مقابله با دشمنان قرآن

حضرت امام ضمن دعوت مسلمین به پناه آوردن به قرآن و تمسک به مفاهیم آن، همه را به مقابله با دشمنان قرآن فراخوانده و با بیان انواع دشمنی با قرآن می فرمایند:

«آن ها نمی خواهند قرآن کریم و احکام آن حاکم بر ملل اسلام باشد تا ناخیر آن ها را به یغما ببرند و کسی حرفی نزنند و در عوض آن ها را مصونیت دهد.»

(همان، ج ۲، ص ۱۲۶)

ایشان به یکی از طرفدهای دشمنان در مقابله با قرآن که کمتر مورد توجه همگان قرار گرفته و باعث تحریف در تعالیم آن می‌شود، اشاره نموده و می‌فرمایند:

«امروز می‌بینیم که یهودی‌ها - خذلهم الله - در قرآن تصرف کرده‌اند و در قرآن‌هایی که در مناطق اشغالی چاپ کرده‌اند تغییراتی داده‌اند. ما موظفیم از این تصرفات خائنانه جلوگیری کنیم.»

(ولایت فقیه، ص ۱۲۸)

از دیگر نقشه‌های اجانب جلوگیری از فهم قرآن و آگاهی از معارف آن و اسلام است، که سعی شده تنها بخش کوچکی از معارف قرآن در بین مسلمین مطرح شود و بخش اعظم آن مغفول بماند. حضرت امام با کشف این توطئه همگان را نسبت به آن آگاهی داده، می‌فرمایند:

«یکی از کارهای بزرگی که شده است و گمانم این است که آن‌ها، آن شیاطین کرده‌اند این است که قرآن و اسلام را آن طوری که هست نگذاشتند ما بفهمیم، نگذاشتند مسلمان‌ها بفهمند، نفوذ کرده است این تبلیغات حتی در عمق حوزه‌های دینی نجف و قم، این معنا که یک مقدار از اسلام و یک قدری از اسلام مطرح است بین علمای اسلام، یک قدری از اسلام است باقی آن مانده است آن زیر و مخفی است.»

(صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۹۳)

از دیگر طرفدهایی که باعث دوری مسلمین از قرآن شده، مهجوریت قرآن در بین مسلمانان است. حضرت امام ضمن تذکر به این نکته، همه را برای احیای قرآن فراخوانده و می‌فرمایند:

«اسلام همه چیز برای مسلمین آورده است، همه چیز. قرآن در آن همه چیز است، لکن مع‌الأسف ما استفاده از آن نکرده‌ایم، و مسلمین مهجوریت کردند یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند نکردند. باید مردم را توجه داد. گرایش داد به اسلام [و قرآن].»

(همان، ج ۱۲، ص ۳۲۰)

مهجوریت قرآن تنها کنار گذاشتن آن نبود، بلکه فراموشی بخشی از تعالیم حیات‌بخش آن نیز از آن جمله بود. آن معارفی که به جامعه و اقامه قسط و دشمنی با ظالمین بود. امام می‌فرمایند:

«اکثر آیات قرآن هم کنار گذاشته شده بود، قرآن را می‌خواندیم و می‌بوسیدیم و می‌گذاشتیمش کنار. آیاتی که مربوط به جامعه بود. آیاتی که مربوط به سیاست بود. آیاتی که مربوط به جنگ بود. آیات زیادی که اکثر آیات مربوط به این مسائل است اینها را منسی کرده بودیم.»

(همان، ج ۱۵، ص ۱۱)

از دیگر دشمنی‌های با قرآن، حذف تدریجی احکام ضروری قرآن از قوانین کشور در دوران رژیم پهلوی بود. حضرت امام با این توطئه به مخالفت برخاسته و می‌فرمایند:

«دستگاه جبار در گذشته به اسلام و قرآن اهانت کرد و خواست قرآن را در ردیف کتب ضاله قرار دهد. اکنون با اعلام تساوی حقوق، چندین حکم ضروری اسلام محو می‌شود. اخیراً وزیر دادگستری در طرح خود شرط اسلام و ذکوریت را از شرایط قضات لغو کرده است.»

(همان، ج ۱، ص ۱۸۶)

این بود خلاصه‌ای از عملکرد قرآنی حضرت امام، که اگر بخواهیم به همه موارد آن اشاره کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. امید است ان شاءالله با سرمشق گرفتن از آن رادمرد الهی، بتوانیم قرآن را در زندگی خود پیاده نموده، کردار خود را منطبق با معارف اسلام و منبعث از قرآن قرار دهیم. به امید آن روز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### فهرست منابع:

۱. ره عشق، امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۲. انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه، امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۳. قرآن کتاب هدایت از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.



۴. برداشتهایی از سیره امام خمینی (س)، غلامعلی رجایی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۵. سلسله موی دوست، مجتبی فراهانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶. در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، تهران: مؤسسه فرهنگی پاسدار، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
۷. کشف اسرار، امام خمینی، بی تا، بی نا، بی جا.
۸. کتاب البیع، امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۹. زندگی و مبارزات آیت الله طالقانی، حشمت الله عزیزی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۰. تفسیر و شواهد قرآنی در آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۱. صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۱۲. ولایت فقیه، امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۱۳. قرآن مجید با ترجمه محی‌الدین مهدی الهی قمشهای، تهران: مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

